

سنگگوی قوه قضائیه در باره ساعدی نیا: با عذر خواهی پرونده مختومه نمی شود



در پاسخ به پرسشی در مورد وضعیت پرونده محمد ساعدی نیا، مالک «مجموعه غذایی و کافه های ساعدی نیا» گفت: صرف عذر خواهی باعث مختومه شدن پرونده اش نمی شود. اصغر جهانگیر در نشست خبری چهارشنبه در پاسخ به پرسشی در مورد وضعیت پرونده محمد ساعدی نیا، مالک «مجموعه غذایی و کافه های ساعدی نیا» گفت: صرف عذر خواهی باعث مختومه شدن پرونده نمی شود، با این حال، هنوز نمی توان در باره نتیجه نهایی پرونده ایشان اظهار نظر کرد و همه چیز منوط به بررسی دقیق ادله توسط دادگاه و قضات مربوطه است. وی افزود: «باید منتظر ماند تا دالله ارائه شده مورد ارزیابی قرار گیرد و مشخص شود که تا چه میزان قابل پذیرش است یا نیست. رویه قضایی نشان می دهد اگر فردی عملی انجام داده باشد که آثار آن باقی مانده باشد، مانند وارد کردن خسارت یا ایجاد جنایت، صرف عذر خواهی نمی تواند باعث مختومه شدن پرونده شود.» گفتنی است، محمد ساعدی نیا به خاطر انتشار یک استوری و اعلام تعطیلی مجموعه اقتصادی اش در روزهای پنج شنبه و جمعه ۱۸ و ۱۹ ماه تعقیب قضایی قرار گرفت و بازداشت و دستور مصادره و توقیف تمامی اموال وی نیز صادر شد. فارس چندی پیش نامه ای منتسب به محمد ساعدی نیامنشتر کرد که در آن از رهبری عذر خواهی شده بود.

■ ■ ■

صدور قرار بازداشت یک ماهه

برای مداح و شاعر معروف هیئات یزد



نام حسین کاسب بیشتر در هیئت فهادان یزد شنیده شده و نام شهاب الدین موسوی در غالب مداحی های معروف یزد تکرار شده است. یکی از معروف ترین اشعار شهاب الدین موسوی قطعه ای است که بارها در فضای مجازی باز نشر شده و با این بیت آغاز می شود: «بیزارم از دین شما، نفرین به این شما» از پهنی پیشانی و دل های سنگی شما»

■ ■ ■

جلیلی:

اختلافی بین صداوسیما و دولت وجود ندارد



رئیس سازمان صدا و سیما گفت: اختلافی بین صداوسیما و دولت وجود ندارد. به گزارش خبرنگار ایلنا، پیمان جبلی در حاشیه هیات دولت و در جمع خبرنگاران درباره اینکه آیا اختلافی بین صدا و سیما و دولت وجود دارد، گفت: خیر. اختلافی بین صداوسیما و دولت وجود ندارد. وی ادامه داد: اگر شما نخواهید اختلافی ایجاد کنید، ما با هم اختلافی نداریم.

■ ■ ■

ثبت ۱۰۱ سکه از مسکوکات تخصصی ضرب شیراز در فهرست آثار ملی



به گزارش روابط عمومی وزارت میراث فرهنگی، به اطلاع وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و در اجرای قانون ثبت آثار ملی، مجموعه مسکوکات تخصصی ضرب شیراز پس از طی تشریفات قانونی در فهرست آثار ملی منقول ایران به ثبت رسید. این مجموعه از شمند شامل سکه هایی متعلق به ۲۰ دوره تاریخی است که در شهر شیراز اقدام به ضرب سکه کرده اند. نخستین سکه ای که نام شیراز روی آن درج شده، مربوط به دوره شاپور دوم ساسانی بوده و واپسین سکه ضرب شده در این شهر نیز به دوره قاجار و سلطنت ناصرالدین شاه تعلق دارد. موضوعی که بیانگر استمرار نقش اقتصادی و سیاسی شیراز در طول قرون مختلف تاریخی است. این مجموعه از شمند هم اکنون در موزه دلگشا شیراز در معرض دید بازدید کنندگان و پژوهشگران قرار دارد. ثبت ملی مجموعه مسکوکات ضرب شیراز، گامی مهم در راستای صیانت از میراث منقول تاریخی، مستندسازی تاریخ سیاسی و اقتصادی فارس و تقویت ظرفیت های پژوهشی حوزه سکه شناسی کشور به شمار می رود.

■ ■ ■

«خانه موسیقی تهران» تغییر نام می دهد



موسیقی تهران « توسط شهرداری تهران با حضور هنرمندان و مسئولان فرهنگی کشور در اراضی عباس آباد افتتاح شد. تشابه اسمی این نهاد با «خانه موسیقی ایران» حاشیه ها و اشتباهاتی را رقم زد و در زمان برگزاری جشنواره موسیقی فجر این شائبه جدی تر شد؛ چرا که اغلب مخاطبان، شرکت کنندگان این مکان را با «خانه موسیقی ایران» اشتباه می گرفتند و تماس های زیادی هم با همکاران آن، گرفته شده بود. معاون اجرایی خانه موسیقی ایران و عضو هیأت مدیره کانون پژوهشگران این نهاد، در گفت و گو با ایلنا، ضمن انتقاد از تشابه اسمی «خانه موسیقی ایران»، با «خانه موسیقی تهران» که به تازگی افتتاح شده گفت: ما به بازدید از آن مکان پرداختیم و قرار است تا آخر بهمن ماه نام را تغییر دهند، ضمن اینکه تفاهم نامه ای نیز میان دو نهاد منعقد و اجرایی خواهد شد. حمید رضا عطافی ادامه داد: به لحاظ ماهیت کار و نوع فعالیت این دو نهاد، موازی کاری رخ نخواهد داد، چرا که «خانه موسیقی تهران» واحد یا نهاد صنفی محسوب نمی شود. اما از نظر تشابه اسمی، مشکلاتی ایجاد شده. این تداخل و تشابه باعث ایجاد ابهامات و سردرگمی اعضای «خانه موسیقی ایران» و فعالان عرصه موسیقی شده است. با این حساب حتی مردم و مخاطبان موسیقی نیز دچار مشکل خواهند شد که نباید اینطور باشد.

درباره نمایش «باخ» به نویسندگی و کارگردانی بهزاد عبدی

تلفیق امر والا با موسیقی کوچه و بازار



تهیه بلیت مثال آوردن آن را نتیجه مستقیم بحران اقتصاد کلان جامعه دانست. از طرف دیگر و در قسمت تولید تئاتر وقتی هزینه ها جهش می یابد و گیشه ها به رخت دجار می شود، تدارک بعضی اجراهای تئاتری با کیفیت بیش از پیش دشوار شده و چندان که باید شاهد نخواهیم بود که فی المثل تکتیری از فرم های اجرایی در دستور کار گروه های اجرایی قرار گیرد و خلاف آمد جریان محافظه کار گذشته باشد. اما از یاد نباید برد که از قضا در فضای پسافاجعه است که فرم های نو را دیکال اجرایی اهمیت یافته و بازتابی اضطرابی می شود از واکنش هنرمندان به پیدا و پنهان وضعیت های تکین تاریخی. در نهایت امر، می توان این گونه گفت که افسردگی عمومی این روزهای ما، چرخه تولید تئاتر را مختل کرده و ضرورت به صحنه آوردن بسیاری از اجراهای نمایشی را بی معنا نموده است. در این بین شاهد تعطیلی بعضی مراکز نمایشی بودیم. برای نمونه پردیس تئاتر شهرزاد مدتی است که فعالیت اش را متوقف کرده و بختل تا اوائل سال جدید این روند را ادامه خواهد داد. این مجموعه با داشتن سه سالن، پذیرای اجراهای متعددی بود که از ایند عرصه و تقاضای تئاتر کنار رفته است. سالن های دیگر هم مثل قبل فعال نبوده و در نتیجه می توان به این واقعیت تلخ رسید که صحنه از بی رگان تئاتر تا حدودی خالی شده و اغلب اجراهای روی صحنه، کیفیت لازم را ندارند. سالن هایی مثل نوفل لوشاتو، لبخند، هما، هامون، ایران شهر و حتی تئاتر شهر، کم فروغ تر از گذشته بوده و با



محمد حسن خدایی

رویکرد عقلانی نسبت به تاپایداری شرایط سیاسی موجود اتخاذ کرده و مترصد این است که در فضای آرام و بی تنش مشغول فعالیت شود. امری که با توجه به حوادث تلخ دی ماه و همچنین تهدیدات فزاینده بین المللی از جانب امریکا، تا اطلاع ثانوی در دسترس نبوده و می تواند بر تصمیم فعالان عرصه تئاتر تاثیر مستقیم بگذارد.

در این بین شاهد هستیم که اجراهایی بر صحنه اند و در تلاش برای تلطیف روح زخم خورده شهروندان عمل می کنند. یکی از این اجراها که «باخ» نام دارد و ماحصل کار کسانی چون بهزاد عبدی، تلفیقی است مابین جهان استعلائی موسیقی باخ و عامه پسندی سهل الوصل موسیقی کوچه و بازار شهرهای ایران. بهزاد عبدی که حرفه اصلی اش موسیقی است، در نمایش باخ، با نگاهی به تاریخ معاصر ایران و جهان، یک فانتزی تاریخی آفریده که شخصیت باخ با حاضران یک کافه در تهران ملاقات می کند و فضایی تازه می سازد که التقاطی است از فرهنگ مدرن و مدون غربی و فرهنگ شفاهی ایرانی. حوادث این نمایش به روزهای بعد از انقلاب بهمن ۵۷ می پردازد و به میناجی موسیقی و صدای حذف شده زنانه، روایتگری می شود از آن چه که مهندسی اجتماعی انقلابیون در رابطه با مقوله پیچیده ای چون موسیقی و هنر مد نظر داشت و اعمال می کرد. نمایش باخ با تلفیق رویا و واقعیت زندگی روزمره، روایتی از تضاده ها، تلاقی ها و همکاری های چند نفر است که روزگار، آنان را در مسیر یکدیگر قرار داده و مجبور کرده در قبال یکدیگر تصمیم بگیرند و روال جاری زندگی را برهم زنند. در این رویکرد شبهه تاریخی صد البته اجرا می توانست بیش از این به تاریخ پر التهاب آن دوره راجع دهد و تعین مادی بیشتری به موقعیتی که ترسیم کرده بخشد. با آن که شخصیت ها به نسبت باور پذیرند اما گاهی احساس می شود بازی هایشان گرفتار باز تولید چارچوب های تثبیت شده گذشته است. به دیگر سخن، ژست های بدنی، لحن گفتار و سیر حوادث یادآور شخصیت های آشنای این قبیل



فضاها بوده و چندان که پاید امر نورافرنمی خواند. اگر شخصیت ها پیچیدگی بیشتری را باز نمای می کردند و این موقعیت مفروض دراماتیک، بیش از این توان اتصال با امر تاریخی و اجتماعی آن دوره را داشت با تئری رویبرو می شدیم که صدای محذوف زنانه را در دل یک وضعیت ساختاری به نمایش می گذاشت. بدین منظور این اجرا می بایست از روایت کردن گذشته دست شسته و به شکل عینی، واقعه را بر صحنه رویت پذیر می کرد. با دم هایی که فقط حرفی از آنان زده می شود اما حضور صحنه ای ندارند. این رویکردی است که در آثار برشت و وفور مشاهده می شود. تکتز زمان ها، مکان ها، آدم ها، همان نکته ای است که یک نمایش را تماشایی تر می کند.

از دقایق خوب اجرا می توان به ملاقات باخ و فروغ اشاره کرد. بهنazar نادری در نقش فروغ، با تکیه بر صدای تربیت شده اش، این امکان را می یابد که به شخصیتی جان بخشده که میان زندگی ویران و امر خلافتان به نوعی سرگردان است و در تلاش برای بازیابی و اجرای عاملیت زنانه اش وارد عمل شده. با آن که این ملاقات به عشق ختم نمی شود اما همچون پلی عمل می کند مابین شرق و غرب عالم. پس می توان فروغ با همان دختر دمنی این نمایش را که روزگار سختی داشته، شخصیت محوری این اثر دانست که با حضورش مناسبات مر دسالارانه را افشا کرده و بر سر وفاداری به آرمان انسانی خویش قربانی می شود.

بازگرانی چون رضا جهانی، علیرضا داوری، بهزاد داوری، بهزاد عبدی، حسین میرزاییان و بهنazar نادری در این اجرا مشارکت داشته و هر کدام در تلاش اند به واقعیت صحنه نزدیک شوند. البته می بایست همچنان این نکته را گوشزد کرد که در بعضی صحنه ها، شیوه بازی هایشان از اندازه اشتباه نظر می آید و تکرار نقش های امتحان شده موفق آثار موفق گذشته تئاتر و سینما به نظر می آیند. یعنی قدم گذاشتن در وادی بی خطر گذشتگان. طراحی صحنه سعید بزانی عزیمت به سوی یک فضای ملموس است که مابین سالن تئاتر و کافه در نوسان است. اینجا هم مسئله بر سر تصاحب مکان و کسب منفعت مادی است. انقلاب ۵۷ باعث شد که نظم فرهنگی دوران پهلوی پایان یابد و نظمی تازه برآید که یکسر متفاوت بود و ذینفعان تازه ای را می طلبد. پس جای شگفتی نیست که بر سر کسب این مکان دعا شود و صاحبان قدیم و جدید مقابل هم صفارایی کنند.

در نهایت می توان گفت که اجرای نمایشی چون «باخ» که بر مدار اتصال دو فضای دور از هم شکل گرفته، در نگاه اول جذاب و چالش برانگیز است. اما نکته اینجاست که باز نمایی هر کدام از این فضاها، استازاماتی را ضرورت می بخشد که حق مطلب را دادا کند و چیزی بیش از کلیشه های سابق از این فضاها باشد. بهزاد عبدی می خواهد اتصال دهنده این دو فضا باشد، اما به نظر می آید برای موفقیت در این فرایند دشوار، به بیش از این ها احتیاج است و ای مثل رویوت پذیر کردن تقابل نیروهای سیاسی متضاد پس از انقلاب در مسئله ای چون موسیقی، می تواند امر تماشایی را بر صحنه احضار و از امر روایی فاصله بگیرد.

کتاب

تخفیف های نامتعارف فروشگاه های بر خط، کتابفروشی ها را در رقابتی نابرابر قرار داده است

چرخه سنتی نشر در آستانه فروپاشی



تخفیف های نامتعارف فروشگاه های بر خط، کتابفروشی ها را در رقابتی نابرابر قرار داده و ضرورت تدوین قوانین مشخص برای سقف تخفیف و ساماندهی بازار کتاب را بیش از پیش آشکار کرده است. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، بازار کتاب ایران، سال های اخیر با پدیده ای روبه رو شده که هر چند به نفع مصرف کننده به نظر می رسد اما گویا، در حال برهم زدن تعادل چرخه نشر است؛ پدیده گسترش فروشگاه های بر خط، با تخفیف های سنگین و نامتعارف. هر چند ظهور فروشگاه های بر خط، نشانه توسعه فناوری و تسهیل دسترسی مخاطبان به کتاب معرفی می شد، امروز به یکی از مهم ترین دغدغه های کتابفروشان تبدیل شده است.

تخفیف هایی که گاه از حاشیه سود واقعی کتاب فراتر می روند، رقابتی نابرابر ایجاد کرده اند؛ رقابتی که بسیاری از کتابفروشی های فیزیکی، توان ایستادگی در برابر آن را ندارند. چند سال گذشته، به ویژه پس از همه گیری کرونا، ایجاد فروشگاه های بر خط کتاب با سرعت چشمگیری افزایش پیدا کرد. این رشد سریع، بدون شکل گیری سازوکارهای نظارتی و صنفی متناسب، به بازاری آشفته انجامیده است.

فریدین زمانی، مدیر کتابسرای بهنام، می گوید: «طی چند سال اخیر عده زیادی بدون سازوکار محکم و قاعده، بسیار راحت به ایجاد فروشگاه بر خط کتاب اقدام کرده اند.» به گفته وی، پیش از این اعتماد عمومی به خرید اینترنتی چندان زیاد نبود، اما تغییر الگوی مصرف به ویژه در دوران کرونا، مسیر را برای گسترش این

کنار عرضه کتاب ها با قیمت بهر روز به کتابفروشان، شکاف بیشتری ایجاد می کند. کتابفروش با پدیده ای روبه روست که در آن ویرترین فروشگاهش به نمایشگاهی برای انتخاب کتاب تبدیل می شود، اما خرید نهایی در فضای بر خط انجام می گیرد. این روند، مدل اقتصادی کتابفروشی های فیزیکی را که بر گردش سریع سرمایه و فروش حضوری استوار است، تضعیف می کند.

از منظر صنفی، یکی از انتقادهای اصلی به ضعف نظارت و صدور آسان مجوز برای فروشگاه های بر خط مربوط می شود. مدیر کتابسرای بهنام، با انتقاد از وضعیت موجود می گوید: «نباید به راحتی مجوز پایگاه فروش بر خط کتاب صادر شود.» به اعتقاد وی، متقاضیان ایجاد چنین فروشگاه هایی باید دست کم دارای پروانه نشر یا جواز کسب کتابفروشی باشند تا شناخت حداقلی از ساختار بازار کتاب داشته باشند. ورود بازیگران متعدد بدون تجربه کافی، به تشدید رقابت قیمتی و بی ثباتی بازار دامن زده است.

علاوه بر مسئله تخفیف، در هم آمیختگی نقش ها در زنجیره نشر نیز به پیچیده تر شدن وضعیت، انجامیده است. مرز میان ناشر، بخش کننده و کتابفروش کمرنگ شده و بسیاری از فعالان، همزمان چند نقش را بر عهده گرفته اند. به گفته این فعال حوزه کتاب، «کتابفروش، شده ناشر، ناشر شده فروشنده و بخش کننده شده ناشر.» این تداخل وظایف، اگر چه می تواند از منظر اقتصادی برای برخی بازیگران سودآور باشد، اما تعادل سنتی زنجیره تأمین کتاب را بر هم می زند.

یکی از پیامدهای مستقیم این وضعیت، تضعیف چرخه سنتی است که ناشر، بخش کننده و کتابفروش هر کدام وظیفه مشخصی داشتند. می دانیم، ناشر برای تأمین نقدینگی، به فروش از طریق شبکه کتابفروشی ها متکی بود و پیشکننده، نقش واسطه را ایفا می کرد؛ در حالی که اکنون با گسترش فروش بر خط و مستقیم، این چرخه دچار اختلال شده است. همان طور که زمانی، کتابفروش هشدار می دهد، «چرخه ای که بین ناشر، بخش کننده و کتابفروش وجود داشت، در حال نابودی است.»

پیامدهای این نابسامانی تنهابه رقابت بر خط محدود نمی شود. کتابفروشان همزمان با چالش های دیگری نیز دست و پنجه نرم می کنند؛ از جمله حذف از برخی رویدادهای بزرگ، تعطیلی های مقطعی ناشی از آلودگی هوا یا بحران های بهداشتی مثل کووید



مشکل، زمانی حاد می شود که ناشر، کتاب را با در صد مشخصی تخفیف در اختیار کتابفروش قرار می دهد، اما همان عنوان را در فروشگاه های بر خط خود با تخفیف بیشتری عرضه می کند. در چنین شرایطی، در عمل کتابفروش امکان رقابت قیمتی را از دست می دهد.

به گفته این فعال صنفی، «کتابفروش نمی تواند با این تخفیف ها با ناشر رقابت کند.» نتیجه این وضعیت در رفتار مشتریان قابل مشاهده است: مخاطب پس از دیدن قیمت در کتابفروشی، خرید را به امید یافتن نسخه ارزان تر در فضای آنلاین به تعویق می اندازد.

این اختلال قیمت، فقط به کتاب های جدید محدود نمی شود. فروش نسخه های قدیمی تر با قیمت های کمتر در سایت ناشر، در